



«جوان» در گفت‌وگو با استاد جرم‌شناسی زوایای متفاوتی از شرایط تحقق «جرم محاربه» را بررسی کرد

قصد خشونت و ناامنی برای حکم محاربه کافی است

پس از صدور حکم اعدام برای برخی از اغتشاشگران ماه‌های اخیر، آرای صادر شده محاکم قضایی در این زمینه به بحث و بررسی گذاشته شد. دایره این بحث و بررسی از فضای مجازی گرفته تا میخانه استادان علم حقوق و جزا و جرم‌شناسی را در بر می‌گیرد و شبیهات نیز همچنان در برخی محافل وجود دارد. یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در این باره این است که فضای حاکم در حوادث اخیر بر صدور حکم مؤثر بوده و برخی دیگر انتشار فیلم‌های اغتشاشگران در فضای مجازی را مؤثر بر صدور آرای می‌دانند. امروز در صفحه حقوقی «جوان» تأثیر یا عدم تأثیر فضای مجازی در تحقق جرم محاربه را بررسی می‌کنیم. میثم عطیسی، عضو هیئت علمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: «مختصات عمل توسط فردی که مرتکب جرم شده بسیار قابل اهمیت است. ممکن است شخصی در فضایی که تردد به شدت کم است و در یک راه فرعی یا کوچه بن‌بست به روی فردی به قصد جان یا مال سلاح بکشد و قضیه به همین مقدار خاتمه پیدا می‌کند اما این در مورد باز نشر و رسانه‌های شدن جرم ارتكابی تفاوت پیدا خواهد کرد! این قاضی است که با بررسی جزئیات پرونده اشرف کامل اطلاعاتی به همه ابعاد جرم دارد و تنها قاضی و مرجع رسیدگی‌کننده باید در این باره نظر قطعی دهند.» گفت‌وگو با این کارشناس را در ادامه می‌خوانید.

با توجه به مجازات یکی از اغتشاشگران و انتقاد برخی‌ها نسبت به آن، این سؤال مطرح می‌شود که آیا فضای حاکم در «تشخیص محاربه» مؤثر است، به عبارتی تعیین‌اشد مجازات» در حالت عادی در حالتی که فضای رعب‌آوری از سوی اغتشاشگران ایجاد شده است، می‌تواند متفاوت باشد؟ و سؤال مشخص‌تر اینکه تعیین‌اشد مجازات برای فرد یادشده «دقیق» بود؟

سؤال شما مقدمه‌ای دارد که برای شروع ابتدا باید به اهمیت ارتكاری محاربه بر پرداخت و بعد به پاسخ آن رسید. در نظام‌های مختلف حقوقی دنیا موضوع امنیت به عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌هایی است که حقوق‌گیر یا قانونگذار کیفری به آن حساسیت نشان می‌دهد و بعضاً در مقایسه با جرائم عادی نسبت به آن قواعد و مقررات ویژه و متفاوتی را در نظر می‌گیرد، به نحوی که به نسبت جرائم دیگر هم از حیث تعیین مجازات و هم از حیث قواعد ایین دادرسی به نوعی یک نظام قانونگذاری و ماهوی و شکلی متفاوت و متمایزی را تعیین می‌کند. فرقی نمی‌کند نظام‌های حقوقی بر چه مبنا و بر اساس چه مبنایی‌ای شکل گرفته باشند اما امروز بحث امنیت در همه کشورها از این حساسیت برخوردار است و اساساً کارآمدی و پویایی یک نظام حقوقی در گرو میزان تأمین امنیت عمومی شهروندان خلاصه شود. در این میان یکی از مهم‌ترین ابزارهای که نظام‌های حقوقی و سیاسی برای رسیدن و تأمین هدف دنبال می‌کنند، استفاده از ابزار حقوق کیفری و مقابله با رفتارهای مخل امنیت شهروندان است. بر همین اساس پیش‌بینی قواعد کیفری هم از لحاظ شکلی، یعنی از جهت قواعد رسیدگی و هم ماهوی یعنی از جهت میزان کیفر و ارتكان جرم کاملاً پذیرفته شده است و همه نظام‌های حقوقی قواعد ویژه‌تر و خاص‌تری برای آن قرار داده‌اند. به همین جهت در نظام‌های مختلف قواعد ایین دادرسی خصوصی این جرائم را ذیل عنوان «آیین دادرسی افتراقی» یاد می‌کنند که مقررات ویژه‌ای را طلبید و مسائل اثباتی آن نیز متفاوت می‌شود. به عنوان مثال یکی از مسواری که در جرائم امنیتی محل توجه قرار دارد و رویکرد متفاوتی در مقایسه با سایر جرائم نسبت به آن اجرا می‌شود، چگونگی اعمال قواعد تخفیف مجازات‌هاست. برخلاف اینکه در اکثر جرائم موضوع تخفیف مجازات پیش‌بینی شده اما در خصوص جرائم علیه امنیت اعمال قواعد تخفیفی و ارفاقی کاملاً محدود شده است. مثال دیگر اینکه در روند رسیدگی قضایی بعضاً قصد مجرمانه در جرائم امنیتی مفروض گرفته می‌شود و مرتکب باید بر اثبات تبرئه و اثبات عدم قصد مجرمانه دلیل و مدرک بیاورد که اقدام وی در راستای برهم زدن امنیت نبوده و خلاصه اینکه اثبات عدم چنین قصدی بر عهده مرتکبان اینکند البته استثنای در تمام اینها به دلیل کلی اثبات جرم عدول شده و تمام اینها به دلیل اهمیتی است که بحث تأمین امنیت و جلوگیری از خشه وارد شدن به حوزه امنیت مردم دارد.

محراربه در نظام حقوقی ایران چگونه تعریف شده است؟

در نظام حقوقی ما جرم‌انگاری حوزه امنیت در دو دسته جرائم حدی و تعزیری مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس جرائم تعریف‌شده در دو حوزه حدی و تعزیری باید گفت این مجازات‌ها از سازو کار متفاوت مبتنی بر دلایل اثباتی و تعیین مجازات پیروی می‌کند. استفاده از سلاح سرد یا گرم برای

ایجاد رعب و وحشت در عموم شهروندان به عنوان یکی از رفتارهای آسیب‌زا به امنیت عمومی تحت عنوان محاربه مورد جرم‌انگاری قرار گرفته که این امر همان اهمیت دادن و حساسیتی است که نظام قضایی و سیاسی ما در خصوص امنیت دارد. لذا هر اقدام مبتنی بر سلاح کشیدن، با هدف ایجاد رعب و وحشت ذیل عنوان جرم حدی جرم‌انگاری شده است. به همین جهت در جرم محاربه بحث مرتکب یک بازه زمانی مشخصی پیدا می‌کند و نسبت به سایر جرائم محدودتر می‌شود. لذا در جرم محاربه قبل از دستگیری و قبل از تسلطی که به مرتکب حاصل شود، اگر توبه محقق شد، پذیرفته خواهد شد. از آنجا که بعد از دستگیری و احاطه و تسلط به مرتکب توبه مجازات احتمالی بعدی وجود دارد، توبه شاید واقعی نباشد. در واقع توبه محدود به قبل از دستگیری می‌شود و این به جهت آن است که مرتکبان از قواعد این محدودیت در خصوص آن ایجاد شده است. به عنوان یکی از ابزارهای ویژه در نظام قضایی حقوقی ما تضعیف نشود. از آنجا که محاربه جزو مهم‌ترین جرائم برای جلوگیری از هرج و مرج و ناامنی در جامعه بوده، این محدودیت در خصوص آن ایجاد شده است. اگر بخواهیم محاربه را در نگاه قانونگذار به صورت تخصصی تر نگاه کنیم، جرم‌انگاری محاربه در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ در مقایسه با قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در ماده ۱۸۳ تفاوت‌هایی دارد که این تفاوت‌ها به اقتضای تحولاتی بوده که در طول این سال‌ها اتفاق افتاده است. در راستای این تغییرات، نواوری و پیشنهاداتی در قانون جدید مورد توجه قرار گرفته تا مرز جرم محاربه و افساد فی‌الارض تعیین شود چراکه تا قبل از سال ۱۳۹۲ دو جرم به نوعی در هم تنیده بود، لذا دیدگاه‌هایی وجود داشت که جرم محاربه چیزی جز افساد فی‌الارض است یا معنای واحدی دارد!

حالا آیا این دو با یکدیگر تفاوتی دارند؟

خوشبختانه اختلاف نظر حقوقی- قضایی در قانون جدید برطرف شده و ما الان با ممتن قانون شفاف که جرم محاربه را در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی با ارتكان خود تعریف کرده است، مواجه هستیم و جرم افساد فی‌الارض نیز در ماده ۲۷۶ قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده است. در یک بیان مختصر باید گفت جرم محاربه صرفاً در صورت بهره‌گیری مرتکب از سلاح برای اختلال در امنیت تحقق می‌یابد و برخلاف جرم افساد فی‌الارض، گسترده بودن این اقدامات شرط نیست و همین که در محیط ارتكاب جرم که طبیعتاً محدوده جغرافیایی از ارتكاب است و عرف این محدوده را تعیین می‌کند، ناامنی ایجاد شود، می‌توان گفت با وجود سایر شرایط، محاربه بهره‌گیری از سلاح موضوعیتی ندارد و تأثبات باید شدت ارتكاب و گستره آن به حدی باشد که موجب اختلال شدید در نظم عمومی یا موجب وارد آمدن خسارات گسترده به اموال عمومی شده باشد. نکته مهم در مورد محاربه این است که قانونگذار قصد دفاع از بحث امنیت عمومی شهروندان را داشته است. در همین راستا مرجع رسیدگی‌کننده باید مطابق نص قانون، عمل ارتكابی را با تمام مختصات ویژگی‌هایی که در آن پرونده درج شده است، با در نظر گرفتن اظهارات شهودی که در صحنه حاضر هستند و بررسی میدانی محل وقوع جرم تک‌تک



کوشمهندسیندانشگرایان جوان

موجب‌ات ایجاد ناامنی را فراهم می‌آورد. **آیا خود عمل فی‌نفسه و به تنهایی قابلیت ایجاد ناامنی دارد یا بر اثر باز نشر کردن موضوع در رسانه‌ها ناامنی ایجاد می‌شود؟**

به نظر می‌رسد متن قانون در این زمینه اطلاق دارد و مهم آن است که عمل ارتكابی موجب ناامنی شود. اینکه باز نشر یک واقعه می‌تواند توجه‌تر را به یک موضوع جلب و از همین جهت ترس و وحشت را گسترده‌تر کند، شکی نیست اما نکته مهم آن است که اولاً گسترده بودن ترس و وحشت برخلاف جرم افساد در جرم محاربه شرط نیست، ثانیاً قابلیت عمل از حیث اینکه در مکانی عمومی که عرفاً در مرئی و منظر عمومی واقع شده یا نه رکن اصلی در تحقق محاربه را دارد. در واقع مختصات عمل ارتكابی از حیث موقعیت مکانی محل ارتكاب است که موضوعیت و حساسیت بالا می‌آورد. حال اگر در یک مکان عمومی مثل خیابان یا بزرگراه صرف نظر از ثبت و ضبط و فیلمبرداری از این واقعه کسی نسبت به جان یا مال دیگری سلاح بکشد، چون این عمل به خودی خود جنبه عمومی دارد، علی‌الفاقده تحقق نامنی امر دشوار و بعدی نخواهد بود و اگر غیر از این باشد نمی‌توان مصداقی برای جرم محاربه پیدا کرد. حال اگر این واقعه فیلمبرداری و باز نشر هم داشته شود، نباید گفت چون باز نشر داده شده ناامنی ایجاد شده و اگر باز نشر داده نمی‌شد، محاربه‌ای محقق نمی‌شد. در نقطه مقابل اگر واقعه‌ای مذکور شبه‌ای نمی‌گذارد، چرا که در محاربه لازم نیست جان کسی گرفته شده یا مال به سرقت رفته باشد. مهم همان تعدی است که مرتکب به خودش اجازه می‌دهد تا قصد جان کسی را کند.

شاید برای برخی‌ها این سؤال پیش آید که این تعریف از محاربه پس چرا بسیاری از درگیری‌ها در فضای عمومی تحت عنوان محاربه نیست؟

تحخیص این مسئله کاملاً قضایی است. درست است که قانون معیارهای خود را داده اما تعابیر به کار رفته را باید با معیارهای قضایی سنسجید. در ادامه ماده ۲۷۹ می‌گوید اگر کسی با انگیزه شخصی به سوی فردی سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد، این عمل محاربه نیست. مفهوم این عبارات آن است که حتی در درگیری‌هایی که بین اشخاص در فضای بازار و عمومی رخ می‌دهد، ممکن است رفتار وصف عمومی پیدا کند، لذا فرد باید بداند درست است که با یک خصومت و انگیزه شخصی با آقای الف و ب از سلاح استفاده می‌کند اما باید توجه کند برد عمومی بودن رفتار تا چه اندازه است! این بعضاً که عمل مرتکب چه میزان برد عمومی دارد یا جنبه عمومی پیدا می‌کند، کاملاً در تحقق محاربه مؤثر است و اگر عمل او ارتعاب عمومی پیدا کند، قاضی با استناد به این ماده و نص صریح ماده ۲۷۹ آن را در قالب محاربه می‌داند. این نکته مهم را نیز نباید فراموش کرد که ما نباید جای قاضی بگذاریم. در همه پرونده‌ها به جهت اینکه اشرافی به جزئیات از سوی افراد عادی وجود ندارد، اظهار نظر دقیقی صورت نخواهد گرفت چرا که افراد عادی بدون توجه به جزئیات پرونده و نتایج و آثار نظر می‌دهند، در حالی که قاضی با بررسی دقیق به جزئیات اشراف پیدا کرده است.

حقوقی

سرویس اجتماعی ۹۸۴۴۰۸۸۶

داستانک



مراجری توقیف اموال

و حساب‌های بانکی طرف شکایت

محمد مهاجری*

امروز غروب پس از اتمام کارهای دادگاهی قصد مراجعه به دفتر را داشتم که تلفن همراهم زنگ خورد. پس از اینکه تلفنم را پاسخ دادم، با صحبت‌های آقایی مواجه شدم که قصد مطالبه ۱۵۰ میلیون تومان پول از شخصی را داشت. نگران بودم که مبادا او این پول را در حساب خود داشته باشد و بعد از اینکه متوجه شکایت او شدم، این مبالغ را از حساب خود خارج کند و دست وی به جایی نرسد؛ ترسی که ممکن است خیلی از شهروندان داشته باشند، به خصوص اینکه با افراد و اشخاصی مواجه باشند که حرف‌های هستند و تمام اموال خود را در زمان طرح شکایت به شخص ثالث منتقل یا حساب‌های خویش را خالی می‌کنند تا دیگر دست ما به اموال ایشان نرسد. من به او گفتم قانونگذار راهکاری را پیش‌بینی کرده است که می‌تواند به او کمک کند و این راهکار «تأمین خواسته» است. تأمین خواسته، یعنی بدون اطلاع وی و بدون اینکه متوجه طرح شکایت از سوی او بشود، از قاضی تقاضا می‌شود که موقتاً حساب‌های بانکی وی به میزان طلب ما مسدود شود تا بعداً امکان احقاق حق ما و رسیدن به این پول به آسودگی از بین نرود، البته این موضوع به این راحتی هم نیست. او را راهنمایی کردم که در خواست تأمین دلیل خود را در دفاتر الکترونیک قضایی مطرح کند و بعد از آن اگر دعوی او راجع به سند رسمی یا چک و سفته نباشد و مثلاً مطالبه وجه نقد باشد، باید «خسارت احتمالی» به حساب صندوق دادگستری واریز کند تا اگر بعداً بابت توقیف حساب‌های این شخص ادعای خسارتی شد یا معلوم شد که حق با شخص شاکی نبوده است، این خسارت از محل پول واریز شده جبران شود.

خسارت احتمالی یعنی چنانچه مشخص شد مراجع بنده حق نبوده است و حکم به نفع او داده نشده، به جهت توقیف حساب طرف مقابل به وی خسارت پرداخت شود. هفت بک پس از این مشاوره تلفنی، مراجع من را به خبر نگذاشت و اعلام کرد که خوشبختانه تاوسته است حدود مبلغ ۹۰ میلیون تومان یعنی بخشی از طلب خود را توقیف و مسدود کند. ظاهراً این شخص بیش از این در حساب‌های بانکی خود پولی نداشته است و به نظر من همین میزان توقیف هم یک گام بسیار مهم برای رسیدن به حق مراجع بنده بوده است چرا که حکم محکومیت بدون اینکه شخص پول یا اموالی داشته باشد، ارزش چندانی نخواهد داشت. بادمان باشد که گاهی دانستن یک راهکار حقوقی نه چندان دشوار می‌تواند سرنوشت یک دعوی حقوقی را تغییر دهد.

✽ مدرس دانشگاه و وکیل پایه یک دادگستری

داستانک

زن و شوهر می‌توانند تقاضای قصاص یا بخشش قاتل همسر را داشته باشند؟

خیر، گذشت از قصاص، مخصوص اولیای دم مقتول است و جز آنها کس دیگری نمی‌تواند قصاص را درخواست یا از آن گذشت کند. ولی دم همان ورثه مقتول است، به جز همسر (مرد یا زن) که حق قصاص ندارد، اما زن و شوهر حق دریافت یا عدم دریافت دیه همسر مقتول خود را دارد.

شرکت‌های بیمه‌ای میخ کشیدن روی بدنه ماشین را پرداخت می‌کنند؟

خیر، خسارت ناشی از کشیدن میخ و سایر اشیای مشابه روی بدنه خودرو، از محل بیمه بدنه پرداخت نمی‌شود.

اعتیاد شوهر حق طلاق برای زن ایجاد می‌کند؟

بله، اعتیاد شوهر به یکی از انواع مواد مخدر یا ابتلا به مصرف مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و این کار را ترک نکند یا در مدتی که پزشکی قانونی ترجیح می‌دهد نتوان وی را مجبور به ترک کرد، حق طلاق را به زن می‌دهد و به درخواست زن همسر طلاق انجام می‌شود.

آیا زوجه می‌تواند اعا کند که چون از جرم بودن عملی اطلاع نداشته، نباید مجازات نشود؟

خیر، ناگاهی از حکم قانون، مانع از مجازات شخص نیست، مگر اینکه اشد شنود از قانون برای وی ممکن نباشد (مثلاً سال‌ها اسیر شده باشند)؛ از تصویب قانون جدید اطلاع نداشته باشد) یا ناگاهی وی شرعاً عذر محسوب نشود.

آیا داده‌گاین اجازه دارد که بر اثر دادخواست مرد جهت طلاق، مهریه زن را قسطنبدنی کند؟

بله، طبق قانون و شرع، طلاق به دست مرد است و چنانچه زن به رغم اخطارهای دادگاه در جلسه دادگاه حاضر نشود، قاضی طبق قانون به پرونده رسیدگی می‌کند و در پرونده طلاق تمامی حقوق مادی زن از جمله مهریه تعیین تکلیف می‌شود و در صورت عدم توانایی مالی مرد جهت پرداخت مهریه و محرز شدن آن برای دادگاه، قاضی مهریه را قسطنبدنی می‌کند.

آیا سقط جنین دیه دارد و دیه به عهده کیست؟

بله، دیه بر عهده کسی است که متصدی عمل سقط جنین بوده، یعنی مادر یا خوردهن قرص پچه را اسقط کرده بر عهده عهده مادر است، و اگر دکتر یا امپول زن پچه را اسقط کرده بر عهده دکتر است. اگر مادر متصدی سقط جنین شده دیه آن را باید به پدر یا در صورت فقدان پدر به سایر ورثه بپردازد و اگر پدر متصدی آن شده است باید دیه را به مادر بدهد و اگر شخصی دیگر متصدی آن شده باید دیه را به پدر و مادر بدهد.

آیا زوج بابت عدم پرداخت مهریه به ممنوع الخروج می‌شود؟

بله، به استناد ماده ۲ قانون محکومیت‌های مالی در هر دعای حقوقی از جمله مطالبه مهریه، پس از صدور رأی محکومیت مهریه و نپرداختن مهریه یا تقسطنبدن مهریه توسط زوج، محکوم‌له (زوج) می‌تواند از دادگاه صادر کننده رأی تقاضای صدور قرار ممنوع‌الخروج کردن زوج (شوهر) را کند. دادگاه تکلیف به پذیرش آن دارد مگر اینکه مهریه پرداخت شود یا اعسار زوج برای پرداخت مهریه پذیرفته شود. همچنین اگر شوهر (محکوم علیه) تأمینیه مناسب به تشخیص دادگاه بسپارد، رفع ممنوع‌الخروجی صادر می‌شود.